

ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمدبن موسی و محمدبن موسی (علیهما السلام)

(بررسی سبک زندگی آن دو بزرگوار)

مجید محب زاده^۱

راضیه طاهری^۲

چکیده

آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی بزرگان دین و سبک زندگی آنان راهی روشن را برای رشد و تکامل فراروی انسان قرار می‌دهد و باعث می‌شود که از آن‌ها شیوه چگونگی زیستن را بیاموزیم و از خورشید وجودشان بهره‌گیریم. هدف ما در این مقاله، شناخت ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمدبن موسی و حضرت محمدبن موسی بن جعفر علیهما السلام و آشنایی با سبک زندگی آنان است. شیوه تحقیق از نوع بنیادی نظری است که اطلاعات به وسیله روش کتابخانه‌ای گردآوری و سپس با استدلال و تحلیل عقلانی به نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته‌ایم. محقق پس از کنکاش و جستجو در منابع دست اول جهان تشیع به این نتایج دست یافت که مهم‌ترین و بارزترین ویژگی شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع) اطاعت محض از ولی و خلیفه خدا یعنی امامان معصوم، خصوصاً حضرت موسی بن جعفر و امام رضا (علیهما السلام) می‌باشد که خداوند اطاعت از آنان را واجب ساخته و با اطاعت از آن‌ها انسان به جاودانگی و شرف ابدی دست می‌یابد چون آن حضرت با امام رضا^(ع) بیعت نمود و دیگران را نیز تشویق و ترغیب کرد که با امام رضا^(ع) بیعت کنند و در تثبیت رکن ولایت که از مهم‌ترین ارکان اسلام است تلاش خستگی‌ناپذیری از خود بروز داد. در مورد ویژگی‌های شخصیتی حضرت محمدبن موسی^(ع) باید گفت که او شخصی

^۱ نویسنده مسئول: مجید محب زاده، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، محل اشتغال: آموزش و پرورش فسا و عضو شورای اسلامی شهر فسا، mail: Majid.mohebzade@gmail.com
^۲ راضیه طاهری، دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، محل اشتغال: آموزش و پرورش فسا، Email: razihtaheeri753@yahoo.com

صالح و فاضل بود. از طهارت پیشه گان و نیکوکاران بود که خداوند در قرآن دوستی آنان را به صراحت اعلام می‌دارد و با شب زنده داری پیوسته قلب خویش را به یاد خدا روشن و منور نمود و محبت خاصی به راز و نیاز با خدا داشت و به بهترین کارها در طول زندگی خویش همت گماشت و مصداق بندگانی بود که در عبادت خداوند متعال در قرآن کریم آنان را می‌ستاید. محقق به استناد آیات قرآن بدین نتیجه دست یافت که سبک زندگی این دو بزرگوار سبک و زندگی قرآنی است و چون آنان مطیع خدا و ولی او بودند جاودانه شدند و به عزت و شرف ابدی دست یافتند. محقق در این تحقیق به کمک الهی به مطالبی دست یافت که کاملاً نو و بدیع می‌باشد و این امر موفقیت محقق را دو چندان نمود.

کلید واژگان: کریم، ورع، تقوی، اولی الامر، بیعت.

مقدمه

بررسی زندگی بزرگان دین و شناخت ویژگی‌های شخصیتی آنان راه پرنوری را فراروی انسان قرار می‌دهد که با پیمودن آن، انسان به خدا نزدیک می‌شود و از خطا و شکست در زندگی رهایی می‌یابد. در این مقاله به دنبال شناخت ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمد بن موسی^(ع) و سید میر محمد بن موسی^(ع) برآمده‌ایم تا با سبک زندگی آن بزرگواران آشنا شویم و از آنان درس چگونه زیستن را بیاموزیم. بررسی و کنکاش پیرامون سبک زندگی این دو تربیت یافته مکتب امامت ما را با حیات طیبه‌ای آشنا می‌سازد که مشحون از فضائل انسانی چون کرامت نفسانی و ورع و بزرگواری است و موجب می‌شود سیره آنان را سرمشق زندگی خویش قرار دهیم و در راه دفاع از حریم ولایت تلاش نموده و با شهادت در این راه به عزت ابدی و جاودانه دست یابیم.

بیان مسئله

مسئله مورد تحقیق ما شناخت ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمد بن موسی شاه چراغ و حضرت محمد بن موسی بن جعفر علیهما السلام می‌باشد. در این تحقیق می‌خواهیم با سبک زندگی این دو بزرگوار آشنا شویم و با کنکاش و پژوهشی صحیح تاریخ زندگی آنان را ورق زده و با مطالعه متون معتبر اسلامی به این امر مهم دست یابیم و از آنان درس چگونه زیستن بیاموزیم.

اهداف تحقیق

هدف کلی ما در این تحقیق آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمد بن موسی و حضرت سید میر محمد بن موسی علیهما السلام است.

هدف جزئی ما درس گرفتن از سبک و زندگی آنان می‌باشد تا با شناخت ویژگی‌های شخصیتی آنان وجود خود را با این ویژگی‌ها آراسته نماییم و در عمل نیز به آنان اقتدا کنیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آشنایی با زندگی بزرگان دین خصوصاً پرورش یافتگان مکتب امامت راهی نورانی را در برابر زندگی ما قرار می‌دهد چون آنان از خورشید تابناک ترند و هم چنان که در زندگی جسم ما به نور خورشید و گرمای آن نیازمند است روح انسان به انوار معنوی زندگی این بزرگان نیازمندتر است. بنابراین ضرورت دارد از نورانیت خورشید و وجود آنان بهره گرفته و از ویژگی‌ها و فضائل حضرت احمدبن موسی و حضرت سیدمیرمحمدبن موسی علیهما السلام آگاه شد تا در زندگی از آنان سرمشق بگیریم.

پرسش‌های تحقیق

حضرت احمدبن موسی و حضرت سیدمیرمحمدبن موسی علیهما السلام چه ویژگی‌های شخصیتی داشتند؟

بارزترین ویژگی‌های آنان چه بود؟

آنان در دفاع از حریم ولایت امام ضا^(ع) چه اقداماتی به عمل آوردند؟

روش تحقیق

شیوه تحقیق از نوع بنیادی نظری است که اطلاعات به وسیله روش کتابخانه‌ای گردآوری و سپس با استدلال و تحلیل عقلانی به نتیجه گیری آن پرداخته‌ایم.

پیشینه تحقیق

شیخ مفید^(ه) درباره ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع) می‌فرماید: (مفید، ۱۳۷۶، ص ۵۸۸)

كان احمدبن موسی کریماً جلیلاً ورعاً و كان موسی ابوالحسن موسی علیه السلام یحبّه و یقدّمه و وهب له ضیعته المعروف بالیسیره و یقال إن احمدبن موسی رضی الله عنه أعتق الف مملوک؛

احمدبن موسی مردی کریم و بزرگوار و باورع بود و حضرت موسی بن جعفر این فرزند بزرگوار را دوست می‌داشت و بستان یسیر خود را به او بخشید. گفته‌اند هزار بنده در راه خدا آزاد کرد.

همچنین شیخ مفید در مورد حضرت سیدمیراحمدبن موسی بن جعفر^(ع) می‌فرماید: (مفید، ۱۳۷۶، ص ۵۸۹)

كان محمدبن موسی من اهل الفضل و الصلاح؛ محمدبن موسی مردی فاضل و نیکوکار بود.

اظهارات شیخ مفید در ارشاد قدیمی ترین منبعی بود که مؤلف به آن‌ها دست یافت.

واژگان کلیدی:

کریم: در لغت به معنی بخشنده و بزرگوار آمده است.

ورع: لعل المراد بالورع ترک الشبهات بل بعض المباحات. (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۲)

تقوی: لعل المراد بالتقوی ترک المحرمات. (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۲)

اولی الامر: طبرسی می‌فرماید علمای شیعه از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل کرده‌اند که اولی الامر امامان از آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند که خداوند طاعت آن‌ها را بر همه مکلفان واجب نموده علی الاطلاق، هم چنان که طاعت خودش و رسولش را واجب ساخته است. (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴)

بیعت: عهد بستن با معصوم هست که در همه مسائل از آن‌ها اطاعت نمایند.

پردازش موضوع

محقق به سبکی بدیع به پردازش موضوع در این بخش می‌پردازد.

۱- بارزترین ویژگی شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع) دفاع از حریم ولایت

یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع) اطاعت محض از ولی و خلیفه خدا، امام رضا^(ع) می‌باشد. حضرت احمدبن موسی در ترویج و تبلیغ دین تلاش‌های فراوانی از خود نشان داد و وظیفه خود می‌دانست برای تقویت ارکان دین از حریم ولایت دفاع کند و دیگران را نیز در تقویت رکن بی بدیل ولایت و اطاعت از امام رضا^(ع) تشویق و ترغیب نماید.

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

چون مردم از شهادت امام موسی بن جعفر^(ع) آگاه شدند، مردم مدینه به خانام احمد آمدند تا با احمدبن موسی بیعت کنند، احمدبن موسی با آنان به مسجد آمد و از آن رو که بسیار جلیل القدر و با تقوا و پارسا بوده و در ترویج و تبلیغ دین کوشش‌های فراوان کرده و کرامات مختلف از او صادر شده بود، گمان کردند او خلیفه و امام پس از موسی بن جعفر^(ع) است. از این رو، با او به عنوان امام بیعت کردند و او نیز از آنان بیعت گرفت. آن گاه بر فراز منبر رفت و سخنرانی بسیار رسا، زیبا و پرجذبه‌ای کرد و در پایان چنین فرمود:

أیها الناس كما أنکم جمیعاً فی بیعتی فانی فی بیعة أخی علی بن موسی الرضا و اعملوا آتة الامام و الخلیفة من بعد ابی، و هو ولی الله و الفرض علی و علیکم من الله و رسوله طاعته، بکل ما یأمرنا.

اکنون که شما با من بیعت کردید بدانید که من با برادرم علی بن موسی الرضا^(ع) بیعت کرده‌ام؛ زیرا او امام و خلیفه خدا پس از پدرم موسی بن جعفر است و او ولی الله است. از این رو، هر فرمانی که صادر کند، اطاعت از آن بر من و بر شما واجب است.

پس همه کسانی که در مسجد حاضر بودند در برابر سخنان منطقی و حق طلبانه او خاضع و در حالی که احمدبن موسی جلودار آنان بود و برای بیعت با حضرت رضا^(ع) از مسجد خارج شدند و به خانه حضرت رضا^(ع) آمده و با آن حضرت بیعت کردند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۸)

و در پایان چنین فرمود:

حضرت احمدبن موسی^(ع) از امام رضا^(ع) در جملاتی بسیار رسا و جذاب بیان می‌فرماید:

من با برادرم علی بن موسی الرضا^(ع) بیعت کرده‌ام زیرا او امام و خلیفه خدا پس از پدرم موسی بن جعفر است و او ولی الله است. از این رو هر فرمانی که صادر کند اطاعت از آن بر من و بر شما واجب است.

این عبارات نشانگر آن است که حضرت احمدبن موسی عظمت ولایت و اهمیت آن را به خوبی درک نموده است و چون پاسداری امین از حریم ولایت دفاع می‌کند.

امام باقر^(ع) می‌فرماید:

اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و چنان که برای ولایت فریاد زده شده برای هیچ چیز دیگر فریاد زده نشده است. (کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۲۹)

همچنین می‌فرماید:

بنای اسلام روی پنج چیز است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

زراره گوید به حضرت عرض کردم کدام یک از این‌ها برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است. زیرا ولایت کلید آن‌هاست و شخص والی دلیل و راهنمای آن‌هاست (ائمه علیهم السلام راهنمای نماز، زکات، حج و روزه می‌باشند و این اعمال بدون راهنمایی آن‌ها درست نیست). (همان، ص ۳۰)

خداوند اطاعت از امامان معصوم علیهم السلام و ولایت آنان را بر همگان در قرآن کریم واجب نموده است و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. ﴿سوره

از آن جمله در ذیل این آیه آمده که امام صادق (ع) فرمودند:

نزلت فی علی بن ابی طالب والحسن و الحسین علیهم الصلوه و السلام (فیض کاشانی، بی تا، ص ۱۲۳)

همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولی الامر امامان معصوم می‌باشند.

امام باقر (ع) درباره آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمود مراد از اولی الامر، امامانی هستند از نسل علی (ع) و فاطمه سلام الله علیها تا قیامت. (بحرانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۴۹)

طبرسی می‌فرماید:

علمای شیعه از امام باقر و امام صادق (ع) نقل کرده‌اند که اولی الامر امامان از آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) هستند که خداوند اطاعت آنان را بر همه مکلفان و بر همه بندگان علی-الاطلاق واجب نموده. هم چنان که طاعت خودش و رسولش را واجب ساخته است. (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴؛ کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۵۳)

همچنین می‌فرماید:

مقصود از اولی الامر زمامداران بر حق و ائمه اهل بیت (ع) هستند که مردم را هدایت و به حق حکم می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۱۵)

علامه طباطبایی می‌فرماید:

مراد به اولی الامر در آیه مردانی از ملت [اسلام] هستند که حکم هر یک در عصمت حکم پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است. (طباطبایی، بی تا، ج ۴، ص ۵۷۹)

حتی برخی از بزرگان اهل سنت از آن جمله شیخ سلیمان حنفی قندوزی که از دانشمندان معروف اهل تسنن است در کتاب ینایع الموده از کتاب «مناقب» از «سلیم بن قیس هلالی» نقل می‌کند که روزی مردی به خدمت علی (ع) آمد و پرسید: کمترین چیزی که انسان در پرتو آن جزء مؤمنان خواهد شد چه چیز است؟ و نیز کمترین چیزی که با آن جزء کافران و یا گمراهان می‌گردد کدام است؟ امام فرمود: اما کمترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره گمراهان در می‌آید این است که حجت و نماینده خدا و شاهد و گواه او را که اطاعت و ولایت او لازم است نشناسد، آن مرد گفت: یا امیرالمؤمنین آن‌ها را برای من معرفی کن. علی (ع) فرمود: همان‌ها که خداوند در ردیف خود و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) قرار داده و فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ.»

آن مرد گفت فدایت شوم باز هم روشن‌تر بفرما. علی (ع) فرمود: همان‌هایی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در موارد مختلف و در خطبه روز آخر عمرش از آن‌ها یاد کرده و فرموده: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ

أَمْرَيْنَ لَنْ تَفِيلُوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ من در میان شما دو چیز به یادگار گذاشتم که اگر دست به دامن آن‌ها بزنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و خاندانم». (قندوزی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۷۳)

بنابراین سبک زندگی حضرت احمدبن موسی^(ع) چون براساس قرآن کریم است و اطاعت از پدر بزرگوار خویش حضرت موسی بن جعفر و امام رضا^(ع) برادر خود را واجب و لازم می‌داند.

۲- ویژگی‌های دیگر شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع)

شیخ مفید^(ه) درباره ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع) می‌فرماید:

کان احمدبن موسی کریماً جلیلاً ورعاً و کان موسی ابوالحسن موسی علیه‌السلام یُحِبُّهُ و یَقْدَمُهُ و وَهَبَ لَهُ ضِيعَتَهُ الْمَعْرُوفَ بِالْيَسِيرَةِ و یَقَالُ إِنَّ أَحْمَدَ بْنَ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَعْتَقَ الْفِ مَمْلُوكًا؛

احمدبن موسی مردی کریم و بزرگوار و باورع بود و حضرت موسی بن جعفر این فرزند بزرگوار را دوست می‌داشت و بستان یسیر خود را به او بخشید. گفته‌اند هزا بنده در راه خدا آزاد کرد. (مفید، ۱۳۷۶، ص ۵۸۸؛ خوئی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۴۲۲؛ قمی، ۱۳۷۰، ص ۳۱)

اولین ویژگی که شیخ مفید برای حضرت احمدبن موسی^(ع) برمی‌شمارد صفت کریم است.

۳- کریم یکی از اسماء و صفات خدا

قرآن کریم خداوند متعال را با صفت کریم معرفی می‌کند. در قرآن لفظ کریم ۲۳ بار تکرار شده است که از این ۲۴ بار ۵ مورد آن در مورد خدا به کار رفته است که عبارتند از:

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛ ﴿سوره نمل، آیه ۴۰﴾

و هر کس ناسپاسی کند بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ؛ ﴿سوره انفطار، آیه ۶﴾

ای انسان چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته.

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ ﴿سوره الحاقه، آیه ۴۰﴾

که [قرآن] قطعاً گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است.

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ؛ ﴿سوره تکویر، آیه ۱۹﴾

که [قرآن] قطعاً گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است.

خداوند در قرآن از حضرت موسی^(ع) با صفت کریم یاد می‌کند و می‌فرماید:

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ؛ ﴿سوره دخان، آیه ۱۷﴾

و به یقین پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم و پیامبری بزرگوار برایشان آمد.

و قرآن را نیز با صفت کریم یاد می‌کند:

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ؛ ﴿سوره واقعه، آیه ۷۷﴾

که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند.

۴- ویژگی‌های شخص کریم از منظر روایات

شیخ مفید اندیشمند بزرگ اسلامی در تمامی فنون عصر خویش اطلاع وافق و کافی داشت و او را بزرگ‌ترین متکلمان شیعه و رئیس آنان شمرده‌اند. شیخ مفید از حضرت احمدین موسی^(ع) با صفت کریم یاد می‌کند. این صفت نشانه‌هایی دارد که معصومین صلوات الله علیهم اجمعین آن‌ها را بیان کرده‌اند. ما در این نوشتار به برخی از این نشانه‌ها اشاره می‌کنیم.

۴-۱- دوست داشتنی و باشکوه

انسان کریم و بخشنده در این دنیا دارای دلی شاد است چون از او به نیکی یاد می‌شود و او را دوست دارند و هم نزد خدا در سرای آخرت شاد و پاداش می‌گیرد. امام علی^(ع) می‌فرماید:

الکریم عندالله محبوبٌ مثابٌ و عندالناس محبوبٌ مهابٌ؛ بخشنده نزد خدا دل شاد و با پاداش و نزد خلق دوست داشتنی و باشکوه است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱، ش ۲۱۵۳)

۴-۲- حافظ آبروی خود

انسان کریم همه چیز خود حتی مال و دارایی خود را در راه حفظ آبرو و شرف صرف می‌کند. چون فرد کریم آبرویش از هر چیز دیگری با ارزش‌تر است. امام علی^(ع) می‌فرماید:

الکریم من صان عرضة بماله؛ بخشنده کسی است که آبروی خود را با دارایی خود نگه دارد. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲، ش ۲۱۶۶)

۴-۳- به عدالت رفتار می‌کند

فرد بزرگوار و کریم زمانی که قدرت به دست او می‌افتد به عدالت رفتار می‌کند و نسبت به مردم بدی نمی‌کند و نیکوکاری را پیشه خود می‌سازد. امام علی^(ع) می‌فرماید:

الکریم یعفو مع القدرة و يعدل في الامر و يكف اسائته و يبذل احسانه؛ بزرگوار در توانایی ببخشد و در زمان توانایی به عدل رفتار کند و بدی خود را از مردم باز دارد و نیکوکار باشد. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳، ش ۲۰۷۸)

۴-۴- خوش کرداری را وظیفه خود می‌داند

فرد کریم خدمت به مردم را وظیفه خود می‌داند چون خدمت و خوش کرداری را مانند دین می‌شمارد که بر عهده اوست و باید به مردم بپردازد. امام علی (ع) می‌فرماید:

الکریم یری مَکَرمَ اَفعالِهِ دیناً عَلَیهِ یَقضِیهِ؛ بزرگوار خوش کرداری‌ها را بر خویش وامی‌بداند که باید آن‌ها را انجام دهد. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹، ش ۲۰۳۸)

۴-۵- آزرده‌گی از بدرفتاری

جوانمرد و کریم از رفتارهای بد نفرت دارد و از چیزهایی که انسان‌های بدرفتار بدان افتخار می‌کنند آزرده می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

الکریمُ یَزْدَجِرُ عَمَّا یَفْتَحِرُ بِهِ اللُّئیمُ؛ جوانمرد از چیزی که بدرفتار بدان می‌نازد آزرده می‌شود. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸، ش ۱۷۸۴)

۴-۶- دوری کننده از حرام

جوانمرد و کریم از محرمات الهی و زشتی‌ها دوری می‌کند چون جوانمردی و بزرگواری با این امور ناسازگاری دارد. امام علی (ع) می‌فرماید:

الکریمُ مَنْ تَجَنَّبَ المَحارِمَ وَ تَنَزَّهَ عَنِ العیوبِ؛ بزرگوار کسی است که از حرام‌ها کناره‌گیرد و از زشتی‌ها دوری‌گزیند. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۶، ش ۱۵۸۸)

۴-۷- از هر چیز موجود بخشندگی

شخص کریم از هر چه در اختیار دارد می‌بخشد. امام علی (ع) می‌فرماید:

الکریمُ مَنْ جَادَ بالموجودِ؛ بزرگوار کسی است که به هر چه هست بخشایش کند. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۶، ش ۱۵۹۱)

۴-۸- عطایش بر درخواست از وی پیشی می‌گیرد

کریم و بخشنده کسی است که عطای او به دیگران بر درخواست او پیشی می‌گیرد. یعنی قبل از درخواست دیگران عطا می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید:

الکریمُ مَنْ سَبَقَ نَوَالُهُ سؤَالَهٗ؛ بخشنده کسی است که عطایش بر درخواست از وی پیشی می‌گیرد. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۴، ش ۱۴۱۷)

۴-۹- اهل شکرگزاری

انسان جوانمرد اهل شکرگزاری و سپاس است او حتی در برابر چیزهای کم شکرگزاری می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید:

الکریمُ یَشْكُرُ الْقَلِيلَ؛ جوانمرد کم را (نیز) سپاس گذارد. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۴، ش ۱۲۵۹)

۴-۱۰- دوری از حسد

شخص جوانمرد و کریم از حسد دوری می‌کند چون ویژگی شخصیتی انسان‌های پست است. امام علی^(ع) می‌فرماید:

الکریمُ بُرِيئٌ مِنَ الْحَسَدِ؛ جوانمرد از حسد به دور است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۶۲، ش ۹۷۸)

۴-۱۱- گشاده رویی

انسان کریم گشاده رو می‌باشد. امام علی^(ع) می‌فرماید:

الکریمُ أَبْلَجٌ؛ بخشنده گشاده رو است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۲، ش ۳۵)

۴-۱۲- اهل حیا و شرم

شخص کریم اهل حیا و شرم است. امام علی^(ع) می‌فرماید:

الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكِرَامِ؛ شرم تمام بزرگواری است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۴۲، ش ۵۱۸)

۴-۱۳- خوش رویی و نیکوکاری

یکی از نشانه‌های بزرگواری مرد خوش رویی و نیکوکاری است. امام علی^(ع) می‌فرماید:

يُسْتَدَلُّ عَلَى كَرَمِ الرَّجُلِ بِحَسَنِ بَشْرِهِ وَ بَدَلِ يَرِهِ؛ یکی از نشانه‌های بزرگواری مرد خوش رویی و نیکوکاری اوست. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۷۵، ش ۱۰۸۱۳)

بنابراین خوش رویی و نیکوکاری یکی از ویژگی‌های حضرت احمد بن موسی^(ع) است چون به فرموده شیخ مفید وی شخصی کریم بود و چه نیکوکاری بزرگ‌تر از این که انسان در راه خدا هزار بنده را آزاد کند که شیخ مفید می‌گوید: احمد هزار بنده را در راه خدا آزاد کرد.

۴-۱۴- فروخوردن خشم

یکی دیگر از نشانه‌های شخص کریم و بزرگوار فروخوردن خشم است. امام صادق^(ع) می‌فرماید:

ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ: حُسْنُ الْخُلُقِ، وَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ غَضُّ الطَّرْفِ؛ سه چیز نشانگر بزرگواری آدمی است: خوش خویی، فروخوردن خشم و چشم فرو بستن (یعنی با حیا بودن). (ابن شعبه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۷)

۴-۱۵- صبر و بردباری

شخص کریم فردی شکیبیا و بردبار است چون حلم و بردباری از نشانه‌های انسان بزرگوار و کریم است.

امام علی (ع) می‌فرماید:

الْكَرَمُ حُسْنُ الْأَصْطِبَارِ؛ بزرگواری، نیکو شکیبایی کردن است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۲)

۴-۱۶- مبارزه با هوای نفس

مبارزه با هوای نفسانی از صفات بارز و برجسته شخص کریم و بزرگواری است چون پیروی از هواهای نفسانی انسان را به ذلت و بدبختی می‌کشاند. امام علی (ع) می‌فرماید:

امْلِكْ عَلَيْكَ هَوَاكَ وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ؛ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ حَقِيقَةُ الْكَرَمِ؛ هوای نفست را مهار کن و با نفس خود نسبت به آن چه بر تو روا نیست بخیل باش زیرا بخل ورزیدن بر نفس حقیقت کرم و بخشندگی است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸، ش ۲۳۷۰)

۴-۱۷- بلند همتی

بلند همتی از نشانه‌های دیگر شخص کریم است. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْكَرَمُ نَتِيجَةُ عُلُوِّ الْهَيْمَةِ؛ بزرگواری نتیجه بلندهمتت است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۹)

۴-۱۸- فرمانبرداری از خدا

امام علی (ع) می‌فرماید:

مِنْ كَرَمِ النَّفْسِ التَّحَلِّيَ بِالطَّاعَةِ؛ آراستن به فرمان برداری (خدا) از بزرگوار نفس است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۰۴)

۴-۱۹- وفاداری به پیمان‌ها

وفاداری از خصوصیات افراد کریم و بزرگوار است. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْوَفَاءُ سَجِيَّةُ الْكِرَامِ؛ وفای به عهد و پیمان نیکان است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۵، ش ۳۳۷)

۴-۲۰- خیرات و خوبی‌ها از شخص کریم نشأت می‌گیرد

چون کریم بودن منبع و معدن خیر است. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْكَرَمُ مَعْدِنُ الْخَيْرِ؛ بخشش معدن نعمت است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۴۶، ش ۶۱۱).

۴-۲۱- گرمی داشتن همسایه

دوری از ننگ و گرمی داشتن همسایه از خصلت و خوی فرد کریم است. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْكَرِيمُ يَأْبَى الْعَارَ وَ يُكْرِمُ الْجَارَ؛ جوانمرد از ننگ دوری و همسایه را گرمی دارد. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶،

ش ۲۰۰۳)

۴-۲۲- صله رحم

یکی از دیگر از علایم کریم بودن انسان رسیدگی به خویشاوندان است. حضرت امام علی (ع) می‌فرماید:
مِنَ الْكَرَمِ صَلَةُ الرَّحْمِ؛ رسیدگی به خویشاوند از بزرگواری است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۹۷، ش ۹۹۳۱)

۴-۲۳- مهربانی

شخص کریم مهربان است. امام علی (ع) می‌فرماید:

مِنَ الْكِرَامِ تَكُونُ الرَّحْمَةُ؛ مهر و محبت از بزرگان سر می‌زند. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۹۷، ش ۹۹۲۲)

۴-۲۴- بخشیدن ثروت

اتفاق در راه خدا و بخشیدن ثروت به فقیران از خوی کریمان است. امام علی (ع) می‌فرماید:

مِنَ شِيمِ الْكِرَامِ بَذْلُ النَّدَى؛ از روش بزرگواری بخشیدن ثروت است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۰۱، ش ۹۹۹۳)

۴-۲۵- خوش رفتار

انسان بزرگوار و کریم از هر گونه رذیلت اخلاقی به دور و خوش رفتار است. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْكِرَامُ حَسَنُ السَّجِيَّةِ وَاجْتِنَابُ الدَّيْبَةِ؛ بزرگواری خوش و دوری از زشتی است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰، ش ۱۶۶۱)

۴-۲۶- تحمل سختی‌ها

یکی دیگر از نشانه‌های شخص کریم، تحمل سختی‌های بزرگ است و شخص کریم در سختی‌ها بی‌تابی نمی‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید:

الْكِرَامُ تَحْمَلُ أَعْبَاءَ الْمَقَارِمِ؛ تحمل سختی‌های گران بزرگواری است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۷۸، ش ۱۳۳۳)

حضرت احمد بن موسی بن جعفر (ع) چون بفرموده شیخ مفید شخصی کریم بود. بنابراین حضرت احمد بن موسی (ع) شخصیتی دوست داشتنی، باشکوه، حافظ آبرو و شرف، عادل، خوش کردار، آزرده از بدرفتاری، خوش رفتار، دوری کننده از حرام، بخشنده، عطاکننده، تحمل کننده سختی‌ها، خوش رو و نیکوکار، فروخورنده خشم، صابر، مبارزه کننده با نفس، بلند همت، وفادار به پیمان‌ها، گرمی دارنده همسایه، مهربان به ارحام و مردم، بخشنده، داشت چون این ویژگی‌ها لازمه کریم و جوانمرد بودن شخص است.

۵- ورع یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمد بن موسی (ع)

یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمد بن موسی (ع) ورع می‌باشد.

در معنای ورع آمده است:

لعل المراد بالتقوى ترك المحرمات و بالاورع ترك الشبهات بل بعض المباحات. (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۲)

امام علی^(ع) در تفسیر ورع می‌فرماید:

الْوَرَعُ اجْتِنَابُ؛ ورع (از حرام) دوری نمودن است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۵، ش ۱۱۲)

أَصْلُ الْوَرَعِ تَجَنُّبُ الْأَثَامِ وَ التَّنَزُّهُ عَنِ الْحَرَامِ؛ ریشه ورع و پارسایی دوری کردن از گناهان و پرهیز از حرام است. (همان، ص ۲۲۵، ش ۳۰۹۴)

إِنَّمَا الْوَرَعُ التَّطَهُّرُ عَنِ الْمَعَاصِي؛ پارسایی در حقیقت پاک بودن از گناهان است. (همان، ص ۳۱۵، ش ۳۸۶۴)

الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ؛ پارسایی و ورع آن است که در شبهه‌ها وارد نشود. (همان، ص ۱۴۲، ش ۲۱۷۰)

بنا به تفسیری که در مورد ورع از امام علی^(ع) بیان شد باید گفت که وجود نازنین احمدبن موسی^(ع) شاه‌چراغ، نه تنها از گناهان دوری می‌کرد، بلکه در شبهات نیز وارد نمی‌شد چون هراس داشت که در گناه بیفتد: حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

أَلْحَلَالُ بَيْنَ وَالْحَرَامِ بَيِّنٌ وَ بَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لَا تَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِعَرَضِهِ وَ دِينِهِ وَ مَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَرَاعٍ يَرعى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ؛

حلال روشن است و حرام روشن است و میان آن‌ها چیزهای شبهه‌ناک هست که بسیاری از مردم آن را ندانند، هر که از چیزهای شبهه‌ناک دوری گیرد دین و آبروی خود را از ارتکاب محرمات بر کنار داشته و هر که در چیزهای شبهه‌ناک افتد در حرام افتد مانند چوپانی که اطراف قرق گوسفند چراند بیم می‌رود که در قرق افتد. (پابنده، بی تا، ص ۲۹۷)

آری، انسان با ورع و تقوا از امور شبهه‌ناک پرهیز می‌کند چون نمی‌خواهد ناخواسته در گناه بیفتد و مرتکب حرامی شود و نادانسته معصیت خدا را انجام دهد. حضرت احمدبن موسی شاه‌چراغ^(ع) به این درجه از تقوا دست یافته بود.

۶- جایگاه ورع از منظر معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

ورع از منظر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت و جایگاهی خاص دارد. حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در اهمیت ورع می‌فرماید:

الْوَرَعُ سَيِّدُ الْعَمَلِ؛ پرهیزگاری سرآمد اعمال است. (پابنده، بی تا، ص ۳۱۹۷)

در حدیث معراج خداوند خطاب به حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

يَا أَحْمَدُ، عَلَيْكَ بِالْوَرَعِ؛ فَإِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الدِّينِ وَ وَسَطُ الدِّينِ وَ آخِرُ الدِّينِ...، إِنَّ الْوَرَعَ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ عِمَادُ الدِّينِ، إِنَّ الْوَرَعَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ أَلْسِنَةِ الْبَحْرِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهَا كَذَلِكَ لَا يَنْجُو الرَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ؛

ای احمد، بر تو باد پارسایی؛ زیرا که پارسایی، اول دین و وسط دین و آخر دین است...؛ پارسایی، سرایمان و تکیه گاه دین است. پارسایی، حکایتش حکایت کشتی است: همان طوری که کسی در دریا باشد فقط به وسیله سوار شدن در کشتی از غرق گشتن نجات می‌یابد، زهدپیشگان نیز جز با پارسایی رهایی نمی‌یابند. (حر عاملی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۹)

بنا به فرموده حضرت محمد (صلی‌الله علیه وآله وسلم) ورع سر ایمان اصل و تکیه گاه دین است و کسی نجات می‌یابد که اهل ورع و پارسایی باشد.

امام علی^(ع) در اهمیت ورع می‌فرماید:

لامعقلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ؛

هیچ دژی تسخیرناپذیرتر از ورع نیست. (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷، ص ۷۱۹)

امام صادق^(ع) نیز می‌فرماید:

بر شما باد به ورع، زیرا بدانچه نزد خدا هست جز با ورع نتوان رسید. (کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۲)

حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ^(ع) اهل نجات است چون به فرموده شیخ مفید:

کان احمد بن موسی کربماً جلیلاً ورعاً؛ آن بزرگوار با ورع خود را در دژی تسخیرناپذیر قرار داد که شیطان بدان راهی ندارد و به مقامی به وسیله ورع در نزد خدا دست یافت که جز با ورع نمی‌توان بدان رسید.

۷- ورع عامل رسیدن به ولایت و دوستی اهل بیت

گفتیم یکی از صفات بارز احمد بن موسی شاه‌چراغ^(ع) اطاعت محض از ولی خدا و امام رضا^(ع) است و ولایت‌مداری از ویژگی‌های شاخص آن بزرگوار می‌باشد. او از طریق کسب و تقویت ورع در وجود نازنین خود به مطیعی محض برای پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر^(ع) و برادرش امام رضا^(ع) تبدیل شد. به طوری که جان خویش را فدای راه ولایت معصومین نمود و کسی جز با ورع به مقام اطاعت از معصومین دست نمی‌یابد که امام باقر^(ع) می‌فرماید:

الإمام الباقر^(ع): لَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ لِيُودِّعَهُكَ أَبْلَغَ مُؤَالِينَا السَّلَامَ عَنَّا، وَ أَوْصِيهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ أَعْلِمِهِمْ بِأَخْتِيْمَةَ أَنَا لِأَنْعِنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِعَمَلٍ، وَ لَنْ يَنَالُوا وَ لَا يَتَنَا إِلَّا بِوَرَعٍ؛

امام باقر^(ع): به خیمه که برای خداحافظی خدمت حضرت آمده بود: از طرف ما به دوستانمان سلام برسان و آنان را به پروا داشتن از خدای بزرگ سفارش کن وای خیمه به آنان اعلام کن که ما در پیشگاه خداوند برای آنان هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، مگر این که عمل کنند و به ولایت و دوستی ما نرسند، مگر با پارسایی. (مجلسی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۰۹)

حضرت احمدبن موسی شاه‌چراغ یکی از مصادیق بارز کسان‌ی است که به وسیله حضور در دژی مستحکم و نفوذناپذیر به نام ورع به ولایت و دوستی اهل بیت رسید و جایگاهی والا و بسیار ارزشمند پیدا کرد.

۸- گفته‌اند هزار بنده در راه خدا آزاد کرد

خداوند انسان را آزاد آفریده است و سزاوار نیست که انسان‌ها در بند کشیده شوند و آزادی خدادادی از آن‌ها سلب شود. در فرهنگ اسلام نیز بر آزادی انسان‌ها این نعمت بزرگ خدادادی تأکید فراوان شده است و تلاش‌های بسیاری در این مکتب تاکنون به عمل آمده تا انسان‌هایی که تحت عناوین گوناگون آزادیشان از آنان سلب شده از هر قید و بندی آزاد شوند. حتی قید و بند هواهای نفسانی، در زندگی حضرت احمدبن موسی^(ع) آمده است که وی هزار بنده در راه خدا آزاد کرد. (مفید، ۱۳۷۶، ص ۵۸۸) و بدین گونه وظیفه مهم خویش را در قبال انسان‌ها و شرافت انسانی از خود بروز داد و در جهت آزادی آنان تلاش فراوان نمود.

امام علی^(ع) می‌فرماید:

وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید. ﴿نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۳۳﴾

حضرت احمدبن موسی^(ع) در جهت تحقق بخشیدن به فرمایش جد بزرگوار خویش امام علی^(ع) گفته‌اند با تلاش بی پایان هزار بنده را در راه خدا آزاد کرد. بندگانی که مردم حق خدادادی آنان را سلب نموده و به بردگی گرفته بودند.

۹- شهادت بزرگ ترین ویژگی شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع)

گفتیم که یکی از خصوصیات بارز حضرت احمدبن موسی^(ع) دفاع از حریم ولایت و اطاعت محض از ولی خدا بود، علاوه بر این او فردی کریم و با ورع بود که خوش رویی و نیکوکاری، فروخوردن خشم صبر و بردباری، مبارزه با هوای نفس، بلندی همت و... از نشانه‌های شخص کریم است.

در سایه ورع حضرت احمدبن موسی^(ع) وارد دژی تسخیرناپذیر شد و به مقامی در نزد خدا دست یافت که جز با ورع نمی‌توان بدان رسید. حضرت احمدبن موسی^(ع) با داشتن چنین ویژگی‌هایی در آخر عمر دنیوی خود به بزرگ ترین نعمتی که خداوند می‌تواند نصیب هر انسانی نماید دست یافت و آن نعمت بزرگ شهادت بود. علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

و هو المدفون بشیراز المعروف بسید السادات و يعرف عند اهل شیراز بشاه‌چراغ، و فی عهد المأمون قصد شیراز مع جماعه و کان من قصده الوصول إلى أخیه الرضا^(ع) فلما سمع به قتلغ خان عامل المأمون علی شیراز توجه إلیه خارج البلد فی مکان یقال له: خان زینان، علی مسافه ثمانیه فراسخ من شیراز، فتلقى الفریقان و وقع الحرب بینهما، فنادی رجل من أصحاب قتلغ إن کات تربدون ثمه الوصول إلى ارضا فقد مات، فحین ما سمع

أصحاب أحمدین موسی ذلك تفرعوا عنه و لم یبق معه إلاً بعض عشرته و إخوته، فلما لم یتیسر له الرجوع توجه نحو شیراز فاتبعه المخالفون و قتلوه حیث مرقده هناك. (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۴۸، ص ۳۰۸)

حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید:

فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يَقْتَلَ الرَّجُلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛

بالای هر نیکی، نیکی است تا آن گاه که مرد در راه خدا کشته شود، پس چون در راه خدا کشته شد بالاتر از آن نیکی وجود ندارد. (صدوق، بی تا، ص ۶۷؛ مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۱۰۰، ص ۱۰)

حضرت احمدین موسی^(ع) در آخر عمر شریف خویش به بالاترین نیکی دست یافت. نیکی که بالاتر از آن چیز دیگری وجود ندارد. او وجود نازنین خود را فدای برادرش امام رضا^(ع) نمود که ولی خدا و خلیفه او بر روی زمین بود و با شهادت خویش و پیکار و مبارزه با ستمگران به شرافتمندانه ترین مرگ یعنی شهادت دست یافت که پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید:

أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ. (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۱۰۰، ص ۸)

۱۰- ویژگی‌های شخصیتی حضرت محمدین موسی بن جعفر^(ع)

وجود نازنین تمامی فرزندان امام موسی بن جعفر^(ع) به فضائل انسانی آراسته است از آن جمله میرمحمدین موسی^(ع) که شیخ مفید درباره وی می فرماید:

كان محمدین موسی من اهل الفضل و الصلاح؛ محمدین موسی مردی فاضل و نیکوکار بود. (مفید، ۱۳۷۶، ص ۵۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۴۲۲)

همچنین وی با دو واسطه از قول هاشمیه که کارگذار رقیه دختر موسی بن جعفر^(ع) است حکایت می کند که:

محمد اهل طهارت و نماز بود و تمام شب را به وضو و نماز می گذرانید و صدای ریزش آب وضو به گوش می رسید و به نماز مشغول می شد پس از آن ساعتی می خوابید پس از آن صدای ریزش آب وضویش به گوش می رسید باز به نماز برمی خاست و به همین طریق تا بامداد به سر می برد. و هر گاه محمد را می دیدم بیاد فرموده خدا می افتادم که می فرماید: «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ؛ بندگان با حقیقت خدا همان ها هستند که شب را کمتر می خوابند.» ﴿سوره ذاریات، آیه ۱۷﴾ (مفید، ۱۳۷۶، ص ۵۸۹؛ خوئی، ۱۳۹۸، ج ۱۷، ص ۲۸۱؛ مجلسی، ۱۳۹۶، ص ۲۸۷؛ قمی، ۱۳۷۰، ص ۴۹۲)

با توجه به مطالب فوق می توان ویژگی‌های شخصیتی حضرت میرمحمدین موسی^(ع) را به شرح زیر برشمرد:

۱۱- فاضل و نیکوکار، اهل طهارت و نماز، کمی خوابی و عبادت بسیار

این‌ها برخی از صفات برجسته جناب میرمحمدبن موسی^(ع) می‌باشد. به علت عبادت زیاد و شب زنده داری توسط این بزرگوار در برخی از منابع از وی به عنوان محمد عابد یاد می‌شود. (ابن عنبه، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹)

۱۲- شرح حال عابدان در قرآن کریم

از منظر قرآن عبادت کاران کسانی هستند که خداوند متعال جان و مالشان را خریداری می‌کند و در عوض به آن‌ها بهشت را عنایت می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ ﴿سوره توبه، آیات ۱۱۱-۱۱۲﴾

در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است* [آن مؤمنان] همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده.

حضرت سیدمیرمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) از جمله کسانی است که دائماً در حال عبادت و رکوع و سجود حضرت حق به سر می‌برد و عمر پر برکت خویش را در راه فرمانبرداری از خدا و بندگی او سپری کرد و به سعادت ابدی دست یافت و قبر مطهرش برای همیشه زیارتگاه دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین گردید.

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد^(ص) می‌فرماید:

بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود، با عبادت دست به گردن شود و آن را از صمیم دل دوست دارد و با تن خود انجام دهد و برای آن فارغ شود (به کار دیگر دل مشغول ندارد) چنین شخصی باک ندارد که زندگی دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی. (کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۱)

سیدمیرمحمد^(ع) که در برخی از اسناد در اثر کثرت عبادت به محمد عابد معروف گشت چون اجداد طاهرینش دلبسته خدا و بندگی او شد و کار به این نداشت که دنیا سخت یا آسان گیرد. او در طول زندگی خویش به بهترین کار یعنی عبادت مشغول گشت که پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

در این باره می‌فرماید:

كفى بالعباده شغلاً؛ بهترین کار و سرگرمی عبادت است. (ابن شعبه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۷)

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

العبادةُ فوؤ؛ عبادت رستگاری است. (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۴)

برطبق فرموده شیخ مفید در مورد ویژگی‌های شخصیتی حضرت سیدمیرمحمد^(ع) وی مردی فاضل و نیکوکار بود و پیوسته با وضو و طهارت و مشغول نماز و شب زنده داری بوده است. چنان که شیخ مفید نقل می‌نماید هاشمیه کارگزار حضرت رقیه^(س) دختر حضرت موسی بن جعفر^(ع) می‌گوید هر گاه حضرت سیدمیرمحمد^(ع) را مشاهده می‌نمود به یاد این آیه می‌افتادم «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ؛ و از شب اندکی را می‌غنودند» ﴿سوره ذاریات، آیه ۱۷﴾

اما اگر در قرآن کریم بنگریم و به آیات قبل از این آیه توجه کنیم در می‌یابیم این آیات پیرامون مقام متقین و نیکوکاران است و نیکوکاری صفتی است که شیخ مفید، حضرت سیدمیرمحمدبن موسی^(ع) را به آن صفت می‌ستاید. ذکر این آیات بسیار مناسب بحث ما می‌باشد و با شرح حال فرزند موسی بن جعفر^(ع) تناسب دارد. خداوند در این آیات می‌فرماید:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ءَأَخَذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ * كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ *؛ پرهیزگاران در باغها و کنار چشمه ساران باشند* آنچه را خدا ارزانیشان داشته است گرفته‌اند* زیرا پیش از آن، نیکوکار بودند، اندکی از شب را می‌خوابیدند* و به هنگام سحر استغفار می‌کردند* و در اموالشان برای سائل و محروم حقی بود؛ ﴿سوره ذاریات، آیات ۱۵-۱۹﴾

با توجه به آیات فوق درمی‌یابیم که ویژگی‌های شخصیتی سیدمیرمحمد بن موسی بن جعفر^(ع) و سبک زندگی او همان شیوه زندگی است که قرآن کریم ترسیم فرموده است.

۱۳- خداوند نیکوکاران و طهارت پیشگان را دوست دارد

نیکوکاری و ملزم بودن به داشتن طهارت و تقوی سیره حضرت سیدمیرمحمد موسی بن جعفر^(ع) است. دو صفتی که قرآن ضمن تجلیل از صاحبان این صفات دوستی خود را نسبت به آن‌ها اعلام می‌دارد و می‌فرماید:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ ﴿سوره آل عمران، آیه ۱۳۴﴾

همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند

نکوکاران را دوست دارد.

رَجَالٌ يَجُوبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ ﴿سوره توبه، آیه ۱۰۸﴾

مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاک‌اند دوست می‌دارد. حضرت سیدمیرمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) از مصادیق دو آیه شریفه فوق می‌باشد.

۱۴- سیدمحمدبن موسی^(ع) فردی دائم الوضو

در سبک زندگی حضرت میرمحمدبن موسی^(ع) نوشته‌اند که وی فردی دائم الوضو و اهل طهارت بود. به طوری که در دل شب‌ها صدای ریزش آب وضویش به گوش می‌رسید و نماز به پا می‌داشت و تا صبح با وضو و اقامه نماز سپری می‌نمود. وضو و طهارت در فرهنگ اسلام جایگاه والایی دارد. خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به وضو و چگونگی آن امر فرموده و هدف از وضو گرفتن را نه رنج بلکه پاکیزگی و اتمام نعمت خدا بر بنده‌اش می‌داند و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ ﴿سوره مائده، آیه ۶﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به [عزم] نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید و اگر جناباید خود را پاک کنید [=غسل نمایید] و اگر بیمار یا در سفر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دستهایتان بکشید خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که سپاس [او] بدارید.

در روایات نیز رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیرامون عظمت وضو می‌فرماید:

الْوُضُوءُ نِصْفُ الْإِيمَانِ؛ وضو نصف ایمان است. (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۸۰، ص ۲۳۸)

امام باقر^(ع) درباره عظمت وضو می‌فرماید:

وضو در حقیقت حدی از حدود خداست تا این که خداوند بداند چه کسی از او فرمان می‌برد و چه کسی نافرمانیش می‌کند. (صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۱)

بنابراین حضرت سیدمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) با وضوهای مکرر خویش امر خدا را اجرا می‌کرد و با این

عمل اطاعت خویش را از خدا به اثبات رسانید.

همچنین امام رضا^(ع) درباره حکمت وضو می‌فرماید:

برای این که بنده وقتی برای مناجات با خداوند جبار در برابر او می‌ایستد پاک باشد فرمان او را اطاعت کرده باشد و از آلودگی و نجاست پاکیزه باشد به علاوه این که وضو باعث از بین رفتن حالت کسالت و زدودن خواب آلودگی و پاک ساختن دل برای ایستادن در حضور خدای جبار می‌شود. (صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۱۵)

رسول گرامی اسلام حضرت محمد (صلی‌الله علیه وآله وسلم) درباره عظمت وضو می‌فرماید:

زیاد طهارت بگیر تا خداوند عمر تو را زیاد گرداند اگر توانستی شب و روز با طهارت باشی این کار را بکن زیرا اگر در حال طهارت بمیری شهید خواهی مرد. (مفید، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰)

آری، حضرت سیدمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) با دائم الوضو بودن و نماز خواندن و عمل به نیکی‌ها خود را از ناپاکی‌های ظاهری و باطنی آزاد ساخت و با طهارت کامل معنوی خدا را ملاقات کرد و در آن سرای در صف شهیدان گرفت و به میهمانی خدا شتافت.

۱۵- شب زنده داری حضرت سید میرمحمد^(ع)

یکی از صفات برجسته حضرت سیدمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) بنا به فرموده شیخ مفید^(ه) شب زنده داری وی می‌باشد و شبها را با نماز شب و استغفار سپری می‌نمود و با خدای خویش راز و نیاز می‌کرد و به مقامی ستوده دست یافت.

خداوند درباره کسانی که نماز شب را به پا می‌دارند می‌فرماید:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛ ﴿سوره اسراء، آیه ۷۹﴾

و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافلة‌ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.

همچنین خداوند کسانی را که شب زنده داری می‌کنند و چون حضرت سیدمحمد^(ع) شبانگاه در راه عبادت خدا بیدار می‌مانند و پهلوهایشان از شب دوری می‌کند و اندکی از شب را می‌خوانند به مسرت‌ها و شادی‌ها مزده می‌دهد.

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ * فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ ﴿سوره سجده، آیات ۱۶ و ۱۷﴾

پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند* هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ام.

رسول گرامی اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

خداوند ابراهیم را خلیل خود نکرد مگر از آن رو که مردم را اطعام می‌کرد، و شب هنگام که مردم خفته بودند ندا و نماز می‌خواند. (صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳۷)

همچنین امام علی^(ع) کسی را که نماز شب را به پا ندارد بازنده و مغبون می‌داند و می‌فرماید:

شب زنده داری را فرومگذار زیرا بازنده کسی است که شب زنده داری را بیازد. (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۰۲) و امام صادق^(ع) نیز می‌فرماید:

شرافت مؤمن در نماز شب اوست. (کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۸)

سیدمیرمحمد^(ع) فرزند برومند موسی بن جعفر با اقامه نماز شب و شب زنده داری دوست و خلیل خدا گشت و به شرافت ابدی دست یافت.

۱۶- نتیجه گیری

این تحقیق که به شیوه بنیادی نظری صورت پذیرفته که اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری و سپس با استدلال و تحلیل عقلانی به نتیجه گیری آن پرداخته ایم، محقق پس از بررسی منابع دست اول موجود پیرامون موضوع به نتایج زیر در مورد ویژگی‌های شخصیتی حضرت احمدبن موسی^(ع) و حضرت سیدمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) و سبک زندگی آن دو بزرگوار دست یافت. مهم ترین مسئله در مورد ویژگی‌های این دو شخصیت بزرگوار این است که وجود نازنین آنان به ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی آراسته است که خداوند در قرآن برای بندگان خاص خویش ترسیم فرموده است و سبک زندگی آنان سبک زندگی قرآنی است. بارزترین صفت حضرت احمدبن موسی^(ع) پیروی و اطاعت محض از ولایت حضرت موسی بن جعفر^(ع) و امام رضا^(ع) است که ولایتمداری در زندگی آن حضرت موج می‌زند و از کسانی اطاعت فرمود که خداوند در قرآن اطاعت از آنان را واجب برشمرده است و او همچون سربازی جان شیرینش را فدای راه روشن ولایت نمود و در این راه به فوز شهادت نایل آمد.

احمدبن موسی^(ع) شخصی کریم و بزرگوار و با ورع بود صفاتی که انسان را به ترقی و تکامل می‌رساند. محقق در کاری بدیع و نو که تاکنون کسی به آن نپرداخته به بیان نشانه کریم بودن از دیدگاه روایات می‌پردازد و خوش رویی، نیکوکاری، فروخوردن خشم، صبر و بردباری، مبارزه با هوای نفس، بلند همتی،

نرمخوبی و... را از نشانه فرد کریم برمی شمارد. ورع نیز اصل و اساس دین است که شیخ مفید به عنوان ویژگی برجسته حضرت احمدبن موسی^(ع) بیان می‌کند و باید گفت کسی جز با ورع به مقام ولایت و دوستی و اطاعت از معصومین دست می‌یابد. حضرت سیدمحمدبن موسی بن جعفر^(ع) نیز شخصی فاضل و نیکوکار بود و پیوسته با وضو و طهارت و شب زنده داری زندگی شرافتمندانه خود را سپری نمود. به طوری که در برخی از منابع دست اول شیعه در اثر عبادت بسیار به محمد عابد^(ع) مشهور گشت و در اثر اطاعت از ولی و خلیفه خدا و طهارت و تقوی به قله رفیع انسانیت دست یافت. به طوری که امروزه شاهدیم پس از گذر قرن‌ها و پس از آن که این دو بزرگوار به جوار رحمت الهی پر کشیدند قبر مطهر آنان زیارتگاه عاشقان و آزادگان عالم گردید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۰)، غررالحکم، ترجمه محمدعلی انصاری، چاپ اول، قم، انتشاراتی امام عصر (عج).
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۷۷)، تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
۵. ابن عنبه، احمد، (۱۳۶۳)، الفصول الفخریه، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. بحرانی، سیدهاشم، (۱۳۹۰)، البرهان، مترجم رضا ناظمیان و دیگران، چاپ اول، قم، کتاب صحیح.
۷. پاینده، ابوالقاسم، (بی تا)، نهج الفصاحه، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۸. حر عاملی، محمدحسین، (۱۳۷۵)، جواهرالسیئه، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، چاپ اول، تهران، انتشارات دهقان.
۹. خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۳۹۸)، معجم رجال الحدیث، چاپ اول، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
۱۰. صدوق، محمدبن علی، (۱۳۸۲)، علل الشرایع، ترجمه سیدمحمدجوادذهنی تهرانی، چاپ اول، قم، انتشارات مؤمنین.
۱۱. صدوق، محمدبن علی، (۱۳۷۳)، عیون اخبارالرضا، ترجمه علی اکبر غفاری، چاپ اول، وحیدرضا مستفید، نشر صدوق.
۱۲. صدوق، محمدبن علی، (۱۳۸۰)، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
۱۳. صدوق، محمدبن علی، (۱۳۷۲)، معانی الاخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، چاپ اول، تهران، دارالکتب اسلامی.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (بی تا)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی، چاپ اول، تهران، بنیاد فکری علامه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، اعلام الوری باعلام الهدی، ترجمه عزیزالله عطاردی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰)، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، تفسیر مجمع البیان، چاپ اول، تهران، مکتب علمیه اسلامی.

۱۸. فیض کاشانی، محسن، (بی تا)، تفسیر صافی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی محمودی.
۱۹. قمی، عباس، (بی تا)، سفینه البحار، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه سینایی.
۲۰. کاشانی، فتح الله، (بی تا)، تفسیر منهج الصادقین، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب، (بی تا)، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، چاپ اول، تهران، انتشارات قائم.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۶)، بحارالانوار، چاپ اول، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۲۳. مفید، محمد، (۱۳۷۶)، الارشاد، ترجمه محمدباقر ساعدی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲۴. مفید، محمدبن نعمان، (۱۳۸۹)، امالی، ترجمه عقیقی بخشایشی، چاپ اول، قم، بی جا.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۶۱)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران دارالکتب الاسلامیه.

